«مهدی- الف» چند سال پیش در گفت‌وگو با پاسارگاد گفته بود:

کاش اعدام می‌شدم

حکم اعدام وی هفته پیش اجرا شد

طرح: جواد خواجویی | پاسارگاد

پاسارگاد

متهم یکی از مشهورترین پرونده‌های قتل سیرجان هفته گذشته در زندان قصاص شد. (مهدی الف) سال ۸۴ به بهانه فروش خاک مس در جاده کرمان به همراه دوستش سه نفر را کشتند و پول خریداران را به سرقت بردند. مقتولان را با ماشین به جاده دوچاهی برده و همانجا آتش زدند. (مهدی -الف) همان سال خودش را معرفی کرد. او چهار سال در زندان کرمان بود و سال ۸۸ هنگامی که از کرمان به سمت زندان کهن‌شهر منتقل می‌شد فرار کرد. این متهم حدود هفت سال فراری بود و بهمن سال ۹۴ از سوی ماموران اطلاعات در جاده انار دستگیر شد. هفته‌نامه پاسارگاد گفت‌وگویی با او انجام داد که با تیتر «مردم فکر می‌کنند عبدالمالک ریگی‌ام» در ویژه‌نامه نوروزی سال ۹۶ منتشر شد. بخش‌هایی از این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانیم.

کسی تا حالا به تو گفته که با دیدن عکس‌ها که در فضای مجازی پخش شد، دچار دلهره شده؟ می‌دانی خیلی‌ها از تو می‌ترسند. تو این کارها را کردی که مشهور بشوی؟

این اتفاق مال ۱۳ سال پیش است و مثل سگ هم پشیمونم نفهمیدم چه کار کردم.

الان چند سال داری؟

۳۷ سال دارم. من متولد ۵۹ هستم. آن موقع ۲۴ ساله بودم. گذشته تموم شده رفته؛ الان هم پشیمونم. اینقدر ما را بزرگ کردن فکر می‌کنند ما همان آدم سابق قبل هستیم. نه بابا!

در مورد روز حادثه بگو. چی شد که دست به ارتکاب این قتل‌های فجیع زدی؟

ما خاک مس خرید و فروش می‌کردیم. می‌دادیم به داوود افغانی. یه بار داوود گفت: من دو تا رفیق دارم که برای خرید خاک مس از کرمان به سیرجان می‌آیند. پول زیادی همراهشان است. می‌رویم و پول‌های‌شان را می‌گیریم و ول‌شان می‌کنیم. ما خریدار او اصلا نمی‌شناختیم.

داوود چه کاره بود؟

ما خاک مس را می‌دادیم به داوود؛ داوود خاک مس را می‌داد به این کرمانی‌ها. پول‌دار بودند. سال ۸۴ من ۲۴ ساله بودم. اوج غرور، هر کی می‌گفت بیا توی چاه بیافتیم، قبول می‌کردم. اوایل می‌گفت: بیا برویم جاده دوچاهی جلوی تریلی‌های حمل مس را بگیریم و یک تریلی را ببریم. من می‌گفتم ۲۰۰ تا گوسفند دارم و نمیام. ولی اون پیله بود و ول نمی‌کرد.

خاک مس‌ها را سرقت می‌کردید و به داوود می‌فروختین؟

نه خاک را از مس می‌خریدیم.

شنیده‌ام که خاک مس را می‌دزدین.

نه از تریلی‌ها می‌خریدیم. دو تا کیسه از این، دو تا کیسه از اون، می‌خریدیم. تو محمودآباد از روی خاک مس خیلی‌ها پول‌دار شدند.

داوود دقیقا چه پیشنهادی بهت داد؟

داوود همش می‌گفت: این‌ها ۹۰ میلیون پول می‌آورند. ما پول‌های‌شان را می‌گیریم و خودشان را ول می‌کنیم. به یکی از دوستانم گفتیم، قبول کرد. قرار شد با اسلحه آن‌ها را بترسانیم و پول‌ها رابگیریم.

اسلحه مال کی بود؟

اسلحه را داوود آورده بود. یک قبضه کلاش که از مرز آورده بود.

نقشه‌تون دقیقا چی بود؟

معامله توی بیابون و نزدیک صداوسیما (در جاده کرمان) انجام می‌شد. دوستم را فرستادیم اون‌جا که قایم شود، ما هم با آن‌ها که از کرمان می‌آیند برویم سر قرار. وقتی رسیدیم دوستم چند تا تیر هوایی بزند، ما پول‌ها را بگیریم و آن‌ها را بترسانیم و در برویم. تاکسی گرفتیم ورفتیم میدان کشتی نشستیم تا آن دو نفر آمدند یک نفرشان افغانی بود، یکی هم راننده که ایرانی بود. ماشین نیسانی داشتند. سوار شدیم رفتیم سر قرار پیچیدیم تو خاکی و پیاده شدیم. آنجا به جای اینکه تیر هوایی بزنیم به آنها شلیک کردیم و آنها هم مردند. داوود و آن دو نفر را کشتیم.

بعد هم پول‌ها را برداشتید؟

توی ماشین گشتیم. ۱۰ میلیون پول توی لباس‌های‌شان بود. برَ‌شان داشتیم.

بعد چه کار کردید؟

جنازه‌ها را ریختیم بالای ماشین. ماشین روشن نشد. رفتیم ماشینی از محمودآباد آوردیم. از آن‌جا ماشین را بوکسل کردیم که برویم جاده دوچاهی صحنه‌سازی کنیم که تصادف کرده‌اند، که نشد؛ ماشین را ول کردیم.

آن را آتش هم زدید؟

بله آتش هم زدیم.

در پرونده فقط شما دو نفر هستید؟

بله ما دو نفر هستیم و سه تا قتل انجام شده. اون فرد ایرانی که کشتیم را صد میلیون پول دادم و رضایت گرفتم. دادگاه می‌گوید: ایرانی و افغانی کرمانی را تو کشتی. الان برام زدن مشارکت در قتل‌ها؛ باید از هر سه تا رضایت بگیریم. پرونده رفته کرمان. ممکن است دوباره برویم کرمان.

خودت مست بودی؟

بله مست بودم.

سابقه داشتی؟

آره. سابقه دعوا داشتم. اوج غرور و جوونی بود. دعوا می‌کردیم. دعوا در این حدی نبود که آدم بکشم. این همه دعوا می‌کردم یک چاقو به کسی نزدم.

چه‌جوری دستگیر شدی؟

من خودم معرف بودم. دو روز بعد رفتم، خودم را به پاسگاه تحویل دادم.

تو چند وقت بعد از زندان فرار کردی؟

من چهار سال تو (زندان) بودم. اول سیرجان بودم. بعد رفتم کرمان. بعد هم موقعی که به سیرجان می‌آمدم، فرار کردم.

چه‌طوری فرار کردی؟

با راننده درگیر شدم و بعد هم فرار کردم.

چجوری؟

از سیرجون که رد شدیم و به سمت زندان کهن‌شهر که می‌رفتیم نرسیده به نجف‌شهر محکم با دو دستم زدم توی سرش. سرش خورد به فرمون، ماشین منحرف شد، چپ کرد. دست‌بند، پابندم داشتم. سرباز هم بی‌هوش افتاد روی من. من هم پریدیم پایین. خدا یک موتوری رساند. پریدم ترک موتور.

چطوری با دستبند و پابند روی موتور نشستی؟

نیم‌وری نشستم.

چند سال فراری بودی؟

۷ سال فراری بودم.

توی این هفت سال کجا بودی؟

چند تا شهر مختلف بودم. چوپونی می‌کردم.

خلاف هم می‌کردی؟

آخری خلاف هم می‌کردم.

خلاف چی؟

تریاک جابه‌جامی کردم.

بعد از فرار دقیقا چکار کردی؟ چی شد؟ کجا رفتی؟

موتوری من رو رسوند نجف شهر از اون جا یک ماشین تویوتا منور سوند محمودآباد.

با دستبند و پابند؟

آره اینقدر التماسش کردم که دلش سوخت و منور سوند. توی خونه هم با سنگ فرز دست بند پابند رو بریدم.

بعدش کجا رفتی؟

زنگ زدم به یکی از دوستانم که او هم فراری بود. گفتم: من فرار کردم. دو نفری ماشین گرفتیم رفتیم کرج. دو ماهی با هم بودیم. بعد از دو سه ماه یه شب خواب پدرم رو دیدم درست یادم نیست خواب چی بود. منم اومدم سیرجون رفتم خونه، شب پدرم رو دیدم و بعدش رفتم. صبح زود پدرم مرد. سال ۸۹ بود. صبح زودش توی کوش (دامن) برادرم مرده بود.

بعد از کرج کجا رفتی؟

رفتم رفسنجان. توی یکی از روستاهای رفسنجان رفیقی داشتم هم‌خدمتی‌م بود؛ چند وقتی اونجا چوپونی کردم. چون نزدیک سیرجون بود ترس ورم داشت چند ماه بعدبی‌خیال شدم.

بعد هم آشنا داشتم توی یکی از روستاهای شیراز. رفتم اونجا و شدم چوپون گوسفندفروش. روستا ۴۰ تا خونه داشت. گوسفندان‌شان را برای‌شان می‌چروندم. جای خوبی بود راضی بودم. مهم‌تر اینکه فاصله زیاد بود و گیر نمی‌افتادم.

پس چی شد از اونجا رفتی؟

رییس شورا گیر داده بود، بیا دخترم رو بدم بهت. پیله کرده بود و گرنه من اونجا وای میسادم. اسمم مجتبی بود.

بعد کجا رفتی؟

رفتم تربت حیدریه. توی کارخانه کود شیمیایی کار می‌کردم.

با چه اسم و فامیلی؟

یک اتاق در کارخانه داشتم و شده بودم سرپرست کارخانه. یک تویوتا بهم داده بودن و کارهای‌شان را می‌کردم. یک دوستی داشتم که اسم و فامیل اصلی‌ام را داده بود برای آنها. پسر یکی از مدیران کارخانه، کرمان دانشجو بود. یک سیرجونی با این پسره توی کرمان هم‌خونه بود. اونا که با هم صحبت می‌کردن صحبت من شده بود، همین سیرجونی برای پسر مدیر تعریف کرده بود که این کیه و چه کارایی کرده. مدیر آمد گفت: وسیله‌هایت را جمع کن برویم. چرا به من نگفتی که فراری هستی؟

چقدر آن جا بودی؟

یک‌سالی می‌شد. کارخانه هم ورشکست شد و بعدش رفتم ایرانشهر.

دو تا رفیق داشتم، بچه ایرانشهر بودند. باهاشون خلاف می‌کردم. توی دست و پاشون بودم. سود می‌کردن. پنج تومن هم به من می‌دادن. چند وقتی آن‌جا بودم، دیدم وضع خراب است، رفتم قم.

قم چه کار می‌کردی؟

گوسفند خرید و فروش می‌کردم. بعد هم رفتم فاریاب کهنوج. آنجا باشگاه بدن‌سازی داشتم. از مشهد سه میلیون تومن وسیله باشگاه خریدم بارش کردم رفتم فاریاب. آن‌جا راهش انداختم. باشگاه‌مش الان هست. دو تا مغازه بود. هفت، هشت ماهی کار کردم. باشگاه را دادم یک تراکتور گرفتم. باشگاه سرنوشتش تبدیل به تراکتور شد. الان تراکتور همان‌جا هست و دست یکی از رفیقامه و باهاش کار می‌کند و درآمدش را به حسابم می‌ریزد. خودم یک سال و خورده‌ای فاریاب بودم.

مدرک جعلی داشتی؟

بله مدرک درست کرده بودم. یک سالی هم قم بودم. خانه کرایه کردم اوضاعم بهتر شده بود. از آن‌جا رفتم تربت حیدریه. آن‌جا خودم گوسفند داشتم؛ ۲۰۰ تا گوسفند داشتم، چوپون داشتم. وسطاش سیرجونم می‌اومدم. چندباری اومدم و رفتم.

چه‌طور می‌اومدی که نمی‌گرفتنت؟

می‌رفتم خانه. شب‌ها می‌رفتم؛ جوری می‌رفتم که کسی نبینه

خب داشتی می‌گفتی گوسفندها را از کجا گرفته بودی؟ از کجا پول داشتی؟

خلاف کرده بودم. ۱۰ تومن جلو شده بودم. خیلی خوب بود و می‌تونستم بمونم. آن جا هم پیله کردن که بیا زن بگیر.

چرا ازدواج نمی‌کردی؟

مدارک نداشتم. آخری مدارک خوبی درست کرده بودم. می‌شد ازدواج کرد ولی گفتم، بروم دختر مردم را بگیرم؛ یک بار دستگیرم کنند، او هم بدبخت می‌شه.

بعدش کجا رفتی؟

از آن‌جا آمدم سیرجان. دو، سه ماه بودم و دستگیر شدم.

گوسفندانت چی شدن؟

آوردم سیرجان و فروختم‌شان.

چه‌جوری گرفتنت؟

سیرجان آمدم، مستقر شدم. سربازان گمنام روی من کار کرده بودند و دستگیر شدم. داشتم می‌رفتم مشهد نرسیده به انار گرفتنم. با دامادمان بودم.

چه تاریخی گرفتنت؟

۹۴/۱۱/۲۷ دستگیرم کردند.

روزی که گرفتنت چه حسی داشتی؟

ماموراجلوی ماشین را گرفتن. چند روز روم کار کرده بودن. نرسیده به انار جاده رو بسته بودن. من خواب بودم. دامادمان بیدارم کرد، گفت ایست بازرسی. بلند شدم، گفتم تموم شد. ده دقیقه قبلش به خودم گفتم فردا اگر قرار است جایی بمیرم و هیچ کس ندونه کجا هستم، بهتر است دستگیر شوم. چند دقیقه بعد دستگیر شدم.

هیچ مقاومتی نکردی؟

نه. گفت: مهدی الف گفتم: بله. مدارک کامل دادم. بعد هم که دادنم زندان، هفت سال سرگردونی تموم شد. فراری که باشی هر لحظه فکر می‌کنی، الان می‌آیند می‌گیرینت. آسایش نداری. ترس داری، تو غربت خیلی سخت است.

تلاشی برای گرفتن رضایت کردی؟

بله خیلی رفتیم.

رضایت نمی‌دهند؟

ایرانی که رضایت داده، یکی از افغانی‌ها رضایت می‌دهد، یکی حاضر نیست، رضایت بدهد. افغانی کرمانی رضایت نمی‌دهد.

می‌دونی که احتمال داره، اعدامت کنند؟

کاشکی اعدامم می‌کردند، راحت می‌شدم.

چرا؟

(سکوت) خسته شدم. دیگه طاقت ندارم. یازده سال شده. هفت سالش که فرار و ترس، بقیه‌شم زندان.

از اعدام نمی‌ترسی؟

نه اصلا. خیلی راحت می‌شوم؛ خسته شدم. سرنوشت مسخره‌ای داشتم. ۱۱ سال زندگی‌ام خراب شد.

پشیمونی؟

بله زیاد.

عکس‌هایی از تو در فضای مجازی پخش شده که هر کس ببیند احساس می‌کند تو شرارت زیادی داری، واقعا تو دعواگر بودی؟

از هر کی می‌خواهی سئوال کن. الکی الکی بزرگم کردن. توی زندان سوال کنید. مردم فکر می‌کنند عبدالمالک ریگی و عباس ناروییِ را گرفتند ولی واقعیت این نیست. توی این مدت نماز می‌خوانم، روزه می‌گیرم. این عکس مال زمان خدمت سربازی من هست. اصلا به من نمی‌خورد. از روی یک عکس نباید نظر بدهند. الان توی زندان با همه خوبم، نه دعوا می‌کنم نه سر و صدا می‌کنم. با همه خوبم.

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای خرید پایه چراغ روشنایی جهت کندرو امتداد بلوار خلیج فارس، کندرو بلوار دفاع مقدس، انتهای بلوار صفا و روبروی اتوبوس‌رانی (نوبت دوم)

شهرداری سیرجان در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات (شرح مختصر: خرید پایه چراغ روشنایی جهت کندرو امتداد بلوار خلیج فارس، کندرو بلوار دفاع مقدس، انتهای بلوار صفا و روبروی اتوبوس‌رانی) به شماره ۲۰۹۸۰۰۵۶۷۴۰۰۰۰۹۳ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارایه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۲ می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۸:۰۰ روز پنجشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۲

مهلت زمانی ارایه پیشنهاد: ساعت ۱۹:۰۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۴:۴۰ روز دوشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۳

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارایه پاکت‌ها

الف: آدرس: سیرجان- میدان انقلاب- شهرداری مرکزی- امور قراردادها تلفن: ۴۱۳۲۵۰۷۷ - ۰۳۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱

دفتر ثبت‌نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای تهیه مصالح و اجرای محوطه‌سازی مجموعه مشاهیر سیرجان (استاد جهانبخش صادقی) (نوبت دوم)

شهرداری سیرجان در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات (شرح مختصر: تهیه مصالح و اجرای محوطه‌سازی مجموعه مشاهیر سیرجان (استاد جهانبخش صادقی) به شماره ۲۰۹۸۰۰۵۶۷۴۰۰۰۰۹۲ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارایه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۲ می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۸:۰۰ روز پنجشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۲

مهلت زمانی ارایه پیشنهاد: ساعت ۱۹:۰۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۵:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۳

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارایه پاکت‌ها

الف: آدرس: سیرجان- میدان انقلاب- شهرداری مرکزی- امور قراردادها تلفن: ۴۱۳۲۵۰۷۷ - ۰۳۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱

دفتر ثبت‌نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان

شرکت توسعه عمران و مدیریت منطقه گل گهر

شرکت توسعه عمران و مدیریت منطقه گل گهر

در نظر دارد جهت اجرای **بخش شبکه هدایت آب‌های سطحی منطقه گل‌گهر (فاز ۴ و انشعابات پایانه ریلی)** را به شرکت‌های دارای حداقل رتبه ۳ راه و باند واگذار نماید.

لذا از شرکت‌های ذی‌صلاح متقاضی دعوت به عمل می‌آید جهت اخذ اسناد مناقصه از تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۸ به سایت این شرکت به آدرس: www.geg-area.com مراجعه نمایند.

۱- آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

۲- آخرین زمان ارائه پاکت‌ها و پیشنهادات: ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۹

۳- شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.

۴- مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: ۲/۲۰۰/۸۲۰/۲۶۸ ریال

۵- هزینه درج آگهی به عهده‌ی برنده مناقصه می‌باشد.

۶- کلیه مشخصات لازم در اسناد مناقصه ذکر گردیده است.

۷- تاریخ بازدید از پروژه: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷

۸- محل تحویل اسناد، پیشنهادات: سیرجان، کیلومتر ۵۰ جاده محور سیرجان- شیراز، شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر، ساختمان‌های هلدینگ مستقر بر تپه، بلوک ۵، (شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر)

۹- تلفن جهت هر نوع هماهنگی: ۰۹۱۳۱۴۲۰۶۴۲ آقای بلوردی

مدیریت امور حقوقی و قراردادها